

زالال طنز

رئیس دورو ۹۱۹۰ پرور

در خبر است که شیخنا، بوسعید، را پرسیدند: ای شیخ، کدام یک بدتر است و عقوبتش سخت‌تر: دورویی یا دوروپروری فرمود: دوروپروری. گفتند: زچه روی؟ گفت: از آن‌رو که دوروپرور خویش در آتش است، دگران را نیز طعمه آن کند؛ ظاهر نزد دگران بیاراید، خلاف آن‌چه را در باطن است و دگران وادارد تا چنان کنند اما دورو تنها خویش در آتش است، به سبب آن‌که قول و فعلش برابر نیست. او را سؤال کردند: اینان در چه کسوت‌اند؟ فرمود: در کسوت ریاست. پرسیدند: خوراک اینان چیست پاسخ گفت: مدح. گفتند: بر چه بخشبند؟ جواب داد: بر مال مردمان. پرسیدند: که تواند با آن‌ها برآید؟ فرمود، خدا. سؤال کردند: ما چه کنیم؟ پاسخ داد: از خدا مدد جوئید و به طنز مسلح شوید. سپس، به آسمان اشارت کرد و گفت: «نستعیدُ الله ممّا یصنعون»؛ یعنی که خلاص از رئیس دوروپرور تنها با خدا بود؛ چه آن‌که مرؤوس بینوا را نرسد که خود را چون فریشته از خورد و خواب منزّه دارد، گرچه هم‌چون مرتاضان از خوراک به بادامی و از خواب به لختی و از مسکن به بیغوله‌ای و از کار به دو نوبت رضا دهد، بل به حکم طبیعت، باید که مزدوری کند. اما رئیس دوروپرور به واسطه لقمه نانی، او را به تملق و چاپلوسی بدارد و حق انتقاد از او بستاند و چون دم برآورد، پایه کار او از زیر سست سازد و چنان گردد که خانه بر سر آوارمانده فرود آید. خدای، ما و شما را از شرّ چنین بد مدبرانی حفظ فرماید. (به نقل از: میرزا نجم‌الدین کرمه‌ای، بزم شوق)

هرگز نرسد!

آقای پیشنهادی در جمع دوستان خود پرسید: آن چیست که پارسال نرسید، امسال هم نرسد، سال آینده نیز نخواهد رسید؟ هر کس چیزی گفت؛ یکی گفت: جامعه مدنی ماست که پارسال کارش به جایی نرسید؛ امسال هم به جایی نمی‌رسد، سال آینده هم به هکذا. دیگری گفت: درخواست وام من است که پارسال به جایی نرسید، امسال هم نمی‌رسد، سال آینده نیز ایضاً. سومی گفت: مشکل جوانان، شغل، ازدواج آنان، تورم جامعه مدنی است که سال گذشته به جایی نرسید، امسال هم نمی‌رسد، سال آینده نیز به هم‌چنین. آقای پیشنهادی گفت: همه آنچه می‌گویید، هست. اما در یک کلمه، آنچه البته به جایی نرسید و نمی‌رسد و نخواهد رسید «فریاد» است.

فرق نو ظهور

آورده‌اند که خواجه اسدالله اخباری - رحمه الله - فرمود: پس از انقلاب سه فرقه ظهور یابند: کوپنیان، بگائی‌ان و صدارتیان. کوپنیان آنان باشند که کوپن به دست، هر روز خود را تا شام در صف ارزاق سپری کنند به رجاء زنده ماندن. بگائی‌ان آنانند که اندوه خورند در حسرت آنچه در گذشته داشته‌اند امروز از آن محرومند و در خوف پیش آمدن روزگاری بدتر از اینند. صدارتیان آنانند که در جامعه نسبتاً مدنی (!) پا به عرصه بگذارند؛ از آن‌رو که ایشان را از هر ریاستی عزل کنند، به ریاستی دیگر درآیند، چنان‌که گربه را از هر سو فکنی، چهار دست و پا بر زمین آید.

فاطرات آقای کارمندزاده

آقای کارمندزاده می‌گفت: با کلی دنگ و فنگ و خواهش و تمنا، رئیس اداره را به شام دعوت کرده بودم. مدت‌ها به خودم و زن و بچه نخوردی داده بودم تا بتوانم با یک مهمانی و مرغ و پلو، دست‌کم، از این طریق، دل رئیس را به دست بیاورم تا بلکه با وام من موافقت کند و بتوانم برای خود سرپناهی اجاره کنم. اما بچه‌نمرده نگذاشت غذا از گلوی رئیس پایین برود؛ رفته بود و پا توی کفش رئیس کرده بود و ورجه ورجه می‌کرد. رئیس هم با دیدن این منظره، لبهایش را می‌گزید و زیر چشمی نگاه می‌کرد، ولی چیزی نمی‌گفت. اما عاقبت تحمل نکرد و عین گربه روبه بچه زبون بسته براق شد که «بچه، چرا پای خودت را نمی‌شناسی؟ چرا پایت را توی کفش دیگران می‌کنی؟ همش تقصیر این پدر فلان فلان شده توست که این‌ها را به تو یاد نداده.» اصلاً انگار نه انگار که نمک ما را خورده، زد و نمکدان را شکاند. آخرش هم با اوقات تلخ، خانه را ترک کرد و ما ماندیم و خرج و زحمت بیهوده. تا دم در رئیس غضبناک را بدرقه کردم، اما او رفت و پشت سرش را هم نگاه نکرد که جواب خداحافظی من را بدهد. من هم برگشتم و با ناراحتی به بچه گفتم: «آخه این چه کاری بود که کردی؟ همه زحمات من را هدر دادی.» اما بچه زبل با زبون نصفه نیمه‌اش گفت: بابا، آخه من هم می‌خواستم آن کفش‌ها را بپوشم تا رئیس بشم. گفتم: «تو کجا دیده‌ای که با پوشیدن کفش دیگران، رئیس بشوند، اون هم با پوشیدن آن کفش‌های گنده منده؟» گفت: «آن کفش‌ها به پای خودش هم گشاد بود.» گفتم: از کجا فهمیدی؟ گفت: «این را از همون اولی که آمد از راه رفتنش فهمیدم.» گفتم: «پس معلوم می‌شه این کفش‌ها مال خودش هم نبوده. معلوم نیست مال کدوم بخت برگشته‌ای بوده. رحمت به اون شیرینی که خوردی» من به وامم نرسیدم، اما فهمیدم کفش‌های بعضی‌ها به پای خودشان هم بزرگ است و در واقع، مال خودشان نیست، مال دیگران است که آن‌ها پا توی آن کرده‌اند.

پیشنهادهای آبی!



میلیون توسط مدیران ۴- کسانی که نزد رؤسا بیشتر سفره پهن می‌کنند ۵- و بالاخره کسانی که کار مفید بالای نیم ساعت در روز دارند.

آگهی‌های آشن

فوائد سیگار

معتاد به سیگار از سه مزیت بهره‌مند است که دیگران را از آن سودی نیست:

- ۱- هرگز پیر نخواهد شد؛ چون جوان مرگ می‌شود.
- ۲- هیچ وقت دزد خانه‌اش را خالی نمی‌کند؛ چون از شب تا صبح سرفه می‌کند و دزد تصور می‌کند که او بیدار است.
- ۳- احتیاجی به مسواک زدن ندارد؛ چون دندان‌های او به زودی می‌ریزد.

فارسی را پاس بداریم

کدامین عبارت را می‌پسندید؟

- توسعه اقتصادی مهم‌ترین نیاز جامعه امروز ماست.

- توسعه سیاسی مهم‌ترین نیاز جامعه امروز ماست.

توجه: فراموش نکنید که مشکلات امروز جامعه ما به دلیل عدم ثبات اقتصادی، تورم، بیکاری، وام‌های خارجی و مانند آن نیست، بلکه مشکل اساسی در عدم توسعه سیاسی است؛ زیرا اگر مردم، سرگرمی‌های سیاسی داشته باشند، هیچ‌وقت به فکر مشکلات

پیشنهاد می‌شود مدیرانی را که از حساب مدیران، سالانه بیش از صد میلیون - البته به هم‌شهری‌ها - پاداش می‌دهند، به هم‌جناحی‌ها عنوان بهترین مدیر معرفی نمایند.

چون در جامعه مدنی بازار "کف" و "سوت" حسابی گرم شده، پیشنهاد می‌شود مدیریت‌های اداری سازمان‌های دولتی و خصوصی برای رفع خستگی کارکنان خود، طی بخش‌نامه‌ای نیم‌ساعت از وقت اداری را بدین منظور اختصاص دهند.

به مناسبت نکوداشت سالروز کارمند و کارگر و معرفی بهترین کارمندان و کارگران، ملاک‌های زیر برای انتخاب کارمند نمونه پیشنهاد می‌شود:

- ۱- بهترین کف‌زن و سوت زن ۲- پوشیدن کفش بدون جوراب ۳- پیدل و بخشش بالای ۱۰۰

نمودند. امروزه در جامعه مدنی، نان آباء و اجدادی ما (سنگک، لواش و تافتون) مثل خودشان و بزرگترها و پیرترها که جایی در خانه ندارند و باید به آسایشگاه تشریف ببرند، دیگر جایی در جامعه مدنی ندارند و باید به جای آن، نان‌های مدرن به بازار عرضه شود!!



خ = فاله فاک انداز

محسنی، رئیس دادگاه ویژه: «آقای کرباسچی، شما ۱۵۵۰ قطعه سکه طلا عیدی گرفته‌اید.»

فاله فاک انداز: آدم با این شخصیت، نباید این قدر ریزبین باشد. از شما دیگر توقع نداشتیم.

●● ●● ●●

رسالت: یک مرد استرالیایی مورد حمله تمساح قرار گرفت.

فاله فاک انداز: این که چیزی نیست. بیش از ۶۰ میلیون ایرانی مورد حمله تمساح و تساهل قرار گرفته‌اند.

اقتصادی نخواهند بود. پس پسندیده‌تر آن است که بگوییم:

توسعه سیاسی مهم‌ترین نیاز جامعه امروز ماست. شورای عالی ویرایش

بافتنی جات

✕ مهندس الویری معاون رئیس جمهوری: محاکمه کرباسچی به کشور ۷۰۰ میلیارد تومان خسارت وارد کرده است. (کیهان ۷۷/۶/۴)
البته اگر خسارت ناشی از تورم و افزایش بهای مسکن و پرداخت کرایه‌های آنچنانی و... را هم اضافه کنیم، ایشان یقیناً در محاسبه دچار اشتباه شده‌اند رقم ۷۰۰۰ میلیارد تومان صحیح است.

✕ روزنامه جمهوری اسلامی: گوشت و مرغ از سفره خانواده‌ها حذف می‌شود. (۷۷/۶/۵)

مدنیون: از این پس خبری از نان‌های سنتی نیست. نتیجه همان است که مهندس الویری فرمودند!!

” نان جامعه مدنی!!

در حل مشکل بیکاری، مدنیون اقدام به اخراج هزاران کارگر عیالوار که از سال‌ها پیش اقدام به پخت نان سنتی می‌کردند،

: الو دیدار؟

- در خدمتیم.

: شینده اید که زدن تیر توی نشون جایزه داره؟

- البته.

: حالا اگه کسی با یه تیر دو نشون بزنه چی؟

- خب، حتماً باید دو تا جایزه بگیره.

: نخیر، باید دو جایزه و یه دست خوش بگیره.

- چطور؟

: معلومه، ببینید مطبوعات دیگراندیش، که نه

تنها هیچ نقشی در انقلاب، جنگ و...

نداشتند، بلکه ضدیت و دشمنی بسیاری از

آنها با امام و انقلاب و رهبری نیز بر همگان

مسلم است امروزه به برکت فضای باز سیاسی

در جامعه مدنی همون تیراندازهای ماهر که

با یه تیر دو نشون می زنن؛ یعنی، در یه زمان،

هم از امکانات بیت المال استفاده می کنند و هم

بر علیه همه ارزش های انقلابی و دینی در

روزنامه های خود چیز می نویسند و بقیش

دیگه معلومه. پس کسانی که این قدر زرنگ اند

باید دو جایزه از وزارت ارشاد بگیرند.

- شما چه پاداشی براشون پیشنهاد می کنین؟

: اینو دیگه از آقای پیشنهادی پرسین.

- آقای پیشنهادی می فرمان: پیشنهاد می شه

این ها را برای تشویق، به عنوان روزنامه های

نمونه اعلام کنند، آقایون ناراحت هم یک

لیوان آب خنک میل کنن.



: الو دیدار؟

- فرمایش.

: می خواستم از آقای پیشنهادی بپرسم منظور

شما از «آب» در پیشنهادات آبکی کدام است؟

- آقای پیشنهادی گفتند: منظور همان

توجیهات آبکی است که صاحبان جامعه

مدنی آن را دلیل تقدّم توسعه سیاسی بر

اقتصادی و فرهنگی دانسته اند.



: الو مجله دیدار؟

- بفرمایید.

: می خواستم بگم که حالا ما معنی یک بام و

دو هوا را فهمیدیم.

- چطور مگه؟

: ببینید زمانی که آقای لاریجانی با "نیک براون"

در انگلیس ملاقات کرد، مدنیون و

روزنامه های هم جناحی و هم شهری تا ماهها

بعد انتقاد و هياهو بپا کردند. ولی همین

آقایان، در ملاقات آقای عباس عابدی با

"روزن" آمریکایی سکوت مرگبار بلکه برخی

نیز این کار را تأیید و توجیه کردند!! به این

می گن یک بام و دو هوا!!

: الو دیدار؟

- بفرمایید.

: می خواستم سؤال کنم که بالاخره آقایان مدنیون باید یک فکری به حال "مرغ" کنند.

- مگه "مرغ" ها چه شدند؟

: دیگه می خواستی چه بشند، مثل این که شما در این دنیا زندگی نمی کنید، آقایان نان های سستی را که جمع کردند و به جای آن نان پلاستیکی گذاشتند. حالا هم مدتهاست که مرغ ها را جمع کرده اند، لابد می خواهند به جای آن "کبک" یا "غاز" به بازار عرضه کنند!!

: الو دیدار؟

- بفرمایین

: می خواستم به آقایون مدنیون که تا دیروز کنار گود بودند و دائم انتقاد می کردند و امروز خود تصمیم گیرندگان جامعه اند، عرض کنم که دیروز صبح طبق معمول برای گرفتن شیر به مغازه مراجعه کردم، متوجه شدم که متصدی فروش می گوید که قیمت شیر شیشه ای از ۳۰۰ ریال به ۴۵۰ ریال افزایش پیدا کرده است. کمی جلوتر رفتم دیدم اطلاعیه ای از سازمان حمایت از مصرف کنندگان (!! مبنی بر افزایش ۵۰٪ قیمت شیر توجه مرا به خود جلب کرد.

حالا شما قضاوت کنید که این سازمان،

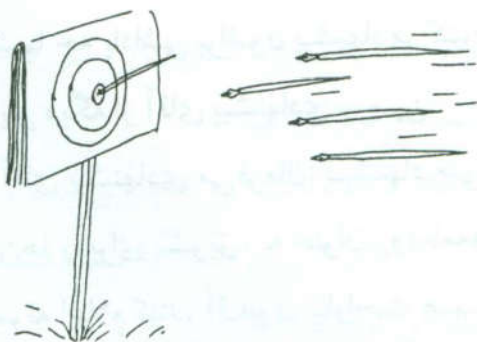
سازمان حمایت از تولید کنندگان است یا مصرف کنندگان! وقتی آقایان قیمت شیر پاستوریزه را ۹۰۰ ریال تعیین می کنند، آیا کسی حاضر می شود ماست را کیلویی ۲۰۰۰ ریال بفروشد و....

: الو مجله دیدار؟

- بفرمایید

: می خواستم به جناب وزیر محترم ارشاد بگم که اگر واقعاً شما مقاله روزنامه توس را خواندید، خجالت کشیدید، چرا از همین روزنامه تا چند وقت پیش حمایت می کردید، و موقع تعطیلی با واسطه وزارت ارشاد، این روزنامه مجدداً شروع به فعالیت کرد و اگر باز هم همین آقایان بخواهند روزنامه ای با نام دیگر و به عنوان سخنگوی نهضت آزادی منتشر کنند شما باز هم مجوز خواهید داد؟!

- حتماً چاپ خواهیم کرد.



: الو دیدار؟

- بله، بفرمایید

: پیامی برای خوانندگان مجله شما داشتم که
موقع بی‌کاری به دردشان می‌خورد:

- سکوت فریاد مؤمن است، پس مؤمنین با
تمام قدرت فریاد بزنید... در تنهایی، رادیو،
تنها هم‌زبان آدمیان است.

پشت میز اداره، هرگز چُرت پاره خود را
وصله نکنید.

- همواره دل گرفته خود را با آچار صبر باز
کنید.

- تنها جاده یک‌طرفه، عمر آدمی است.

میزگرد آزاد آزاد

رسالت: چرا "توس" از کرباسچی و بیگانگان
از "توس" حمایت می‌کنند؟

: لابد همسودند!!

اطلاعات: حرمت خانه ملت را نگهدارید
: نزد بازی خورده‌ها حرمتی ندارد.

همشهری: ساخت مسکن در تهران پس از
دستگیری شهردار سابق ۴۱٪ کاهش یافت
: و موجودی حساب مدیران و بذل و
بخشش‌های آنچنان هم!!

کیهان: دفتر تحکیم وحدت حرمت خانه
ملت را نگه نداشت.

: نقطه آغاز انحراف سازمان منافقین از
همین جا شروع شد.

ایران: توسعه سیاسی مقدم بر توسعه
اقتصادی است.

: اولاً، این شعارها برای رد پا کم کردن و
ماست مالی کردن مشکلات اقتصادی است و
ثانیاً، بسیاری از طریق سیاست به ریاست
می‌رسند!!

شلمچه: خرازی وزیر امور خارجه در
کمیسیون سیاست خارجی مجلس گفت: در
سال گذشته ۹۰۰ نفر آمریکایی از ایران
بازدید کرده‌اند.

: این هم از سیاست تنش‌زدایی و باز کردن
باب "مفاهمه" بین کشورهاست؟

ایران: مذاکره لاریجانی با "براون" به شدت
محکوم است.

سلام: ملاقات عبدی با "روزن" کاملاً بجای و
در راستای تحقق سیاست تنش‌زدایی بوده
است!!

